رهبری

نابودی رژیم صهیونیستی در کلام رهبر معظم انقلاب

هدف بلندمدت دارند

رژیم صهیونیستی، صهیونیسم و جنایت‌های اسرائیل، در اکثر بیانات رهبر معظم انقلاب مطرح شده و یکی از دغدغه‌های اساسی ایشان در راه مبارزه و حمایت از حقوق فلسطینیان بوده است. رهبر معظم انقلاب، سیاست‌های استعماری انگلستان را یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی می‌دانند. ایشان در خطبه‌های نماز جمعه خاطر نشان می‌سازند: «اساسا تشکیل دولت یهودی - یا به تعبیر درست‌تر، دولت صهیونیست - در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدفِ بلندمدت استکباری به وجود آمد.» (۱۳۷۹/۹/۲۵)

وقتی الگوی مقاومت نبود

زمانی که اعراب از پیروزی در جنگ با رژیم صهیونیستی ناامید شدند، دولت‌های عرب و سازمان‌های بین‌المللی، مسیر مذاکرات صلح را پیش گرفتند، اما مسئله اصلی یعنی مقاومت مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی همچنان لاینحل باقی مانده و چندین دهه مذاکره برای پایان مقاومت فلسطین با شجاعت و ایثار آزادی‌خواهان فلسطینی بی‌نتیجه مانده است. رهبر معظم انقلاب نیز با اشاره به ۲روش سازش و مقاومت، در سخنانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین اشاره می‌کند که: «آن زمان در مورد نحوه برخورد با اسرائیل، همواره ۲روش مطرح می‌شد: مقابله نظامی ارتش‌های عرب با اسرائیل - که گفته می‌شد همه تجربه‌ها در آن با شکست مواجه شده است - و روش سازش که منجر به تحقق خواسته‌های اسرائیل از طُرق مسالمت‌آمیز می‌شود و در ازای عقب‌نشینی از بخشی از اراضی اشغال شده، عدم‌رشد توان نظامی کشورهای عربی را تضمین می‌کرد؛ نظیر آنچه در کمپ دیوید شاهد آن بودیم. در آن روزها، الگوی مقاومت مطرح نبود و گفته می‌شد از پذیرش عمومی برخوردار نیست؛ اما اینک یک الگوی موفق پیش روی ماست که توانست برای نخستین بار سرزمین‌های اشغال شده را بدون دادن هرگونه امتیازی به اسرائیل، آزاد کند و مانع از تحقق خواسته رژیم صهیونیستی در به جای گذاشتن پرچم خود در پایتخت این کشور عربی - یعنی لبنان - گردد.» (۱۳۸۰/۲/۴)

حمایت از نابودی رژیم صهیونیستی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، الگوی مبارزاتی با رژیم صهیونیستی دچار تحولات عمیقی شد و با شکل‌گیری عناصر مقاوم در سرزمین‌های اشغالی و لبنان، رژیم صهیونیستی در مقابل نیروهایی قرار گرفت که اهل سازش نبودند و برای آزادی سرزمین غصب شده، تنها راه را مبارزه و مقابله با تجاوزات اشغالگران تنظیم کردند. رهبر معظم انقلاب نیز همواره مبارزه علیه رژیم صهیونیستی و حمایت از فلسطین را در اکثر بیانات خود مورد تأکید قرار داده‌اند و به‌صورت صریح عنوان داشته‌اند که هر کس در هر نقطه‌ای از جهان علیه رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران است. رهبر انقلاب در بیاناتی این موضع را اینگونه عنوان می‌دارند: «رژیم صهیونیستی حقیقتا غده سرطانی است در این منطقه و باید قطع شود و قطع خواهد شد... از هر کس با اسرائیل مبارزه کند حمایت می‌کنیم و از اعلام این حمایت، ابایی نداریم. در جنگ ۳۳روزه و جنگ ۲۲روزه علیه اسرائیل، کمک کردیم.» (۱۳۹۲/۲/۲)

دشمنی دنباله‌دار با اشغالگران

امام خمینی(ره) موضع ایران را در مقابل رژیم صهیونیستی به‌وضوح مشخص کردند و این رویکرد توسط آیت‌الله خامنه‌ای نیز دنبال می‌شود. راه‌حلی که ایران ارائه می‌دهد، نابودی رژیم صهیونیستی است. رهبر انقلاب این رویکرد را با جزئیات، موشکافی کرده و در مقاطع مختلف نیز بیان کرده‌اند: «... در این ۶۶سال، به‌عنوان یک نظام سیاسی هر کار توانستند انجام دادند و هر خشونتی که به ذهن می‌گنجید که یک دولت می‌تواند نسبت به یک مردمی انجام بدهد، اینها انجام دادند؛ هیچ ابایی هم ندارند؛ این واقعیت رژیم صهیونیستی است؛ علاجی هم ندارد جز از بین رفتن این رژیم. از بین رفتن رژیم صهیونیستی هم به‌هیچ‌وجه به‌معنای قتل‌عام کردن مردم یهودی در آن منطقه نیست؛ یعنی این منطقی که امام بزرگوار مطرح کردند که «اسرائیل باید از بین برود»، یک منطق انسانی است؛ ما سازوکار عملی آن را هم به دنیا ارائه کردیم که کسی هم نتوانست هیچ ایراد منطقی بگیرد. ما گفتیم از این مردمی که در این منطقه زندگی می‌کنند و اهل اینجا هستند و متعلق به خود اینجا هستند، یک نظرسنجی و نظرخواهی بشود؛ یعنی یک رفراندومی انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را رفراندوم معین کند، مردم معین کنند؛ معنای از بین رفتن رژیم صهیونیستی یعنی این؛ سازوکار آن این است...» (بیانات در دیدار دانشجویان: ۱۳۹۳/۵/۱)

مقتدرهای مظلوم

نگاه مقام معظم رهبری به موضوع فلسطین و قدس، نگاهی است که در آن تکیه به واکنش‌ها و کمک‌های دیگران وجود دارد. نگاهی که در آن از خود جوانان قدس و فلسطین انتظار می‌رود که این شعله را سوزان و روشن نگه دارند. چنانچه در دیدار چند روز پیش با دانشجویان نیز به این نکته اشاراتی داشتند؛ آنجا که گوشزد کردند فلسطین، هم مقتدر است، هم مظلوم و جوان‌هایش نمی‌گذارند قضیه فلسطین فراموش شود و ایستاده‌اند در مقابل تعرض دشمن. همین ایستادگی، رمز و راز نگاه رهبری به این قضیه را تشکیل می‌دهد، چرا که تجربه ثابت کرده است در دهه‌های گذشته، سازش با این رژیم برای هیچ‌کدام از سازشکاران خوش‌یمن نبوده و در نهایت جنایت‌های این رژیم را ده‌ها برابر کرده است؛ امری که به روایت رهبری، هم برای خود آنها و هم برای جامعه و امت اسلامی و هم برای فلسطینی‌ها غیرمفید و مضر است. (۱۴۰۱/۲/۷)

عصر تازه مبارزه با صهیونیست‌ها

گفت‌وگو با مسعود اسداللهی در باره تحولات تازه در مبارزه با رژیم صهیونیستی

گفت‌وگو

روز جهانی قدس به‌عنوان یادگار ارزشمند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی(ره)، روز خروش ظلم‌ستیزان علیه غده بدخیم صهیونیستی است که حدود ۷دهه از شکل‌گیری آن در قلب سرزمین‌های اسلامی می‌گذرد و فلسطین سال‌هاست که آرمان مشترک تمام آزادگان عالم شده است؛ فارغ از دین و مذهب و ملیت.

در یوم‌الله روز قدس ملت‌های اسلامی در کنار قدس شریف و مردم مظلوم فلسطین حضور دارند و اجازه نمی‌دهند مشعل مقاومت و شعله‌های خروشان آتش قهر امت اسلامی علیه صهیونیست‌های جنایتکار با تزویر استکبار و خیانت مزدوران منطقه‌ای خاموش شود؛ رویکردی که مسعود اسداللهی، کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه، معتقد است در سال‌های اخیر رنگ‌وبوی تازه‌ای به‌خود گرفته است. او اعتقاد دارد تحولات بی‌سابقه‌ای که در سراسر سرزمین‌های اشغالی در حال وقوع است، نویددهنده عصر تازه‌ای از مبارزه علیه صهیونیست‌های جنایتکار به‌حساب می‌آید. گفت‌وگوی همشهری با مسعود اسداللهی را در ادامه می‌خوانید.

تحولات اخیر در سرزمین‌های اشغالی از چه جنبه‌ای دارای اهمیت است؟

معتقدم تحولات اخیر در سراسر سرزمین‌های اشغالی که شاهد آن بوده‌ایم، چه در مناطق اشغالی ۱۹۴۸ و چه در مناطق اشغال شده در سال ۱۹۶۷، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک وضعیت بی‌سابقه علیه رژیم صهیونیستی شده‌است که تبعات سنگینی را برای این رژیم به‌همراه می‌آورد. این تحولات زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که بدانیم جوانان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۴۸ که براساس روندهای ظالمانه بین‌المللی «اسرائیل» خوانده می‌شود، علیه صهیونیست‌ها به خروش آمده‌اند. تا پیش از این معمولا در این مناطق شاهد حرکت‌های مقاومتی نبوده‌ایم؛ چراکه سیطره امنیتی رژیم صهیونیستی در این مناطق به‌صورت گسترده‌ای برقرار بوده و امکان هرگونه تحرک را از فلسطینی‌ها سلب کرده است. تا پیش‌از تحولات اخیر، ما بیشتر در مناطقی مانند نوار غزه یا کرانه باختری شاهد قیام‌های مردمی بر علیه صهیونیست‌ها بوده‌ایم، اما اکنون می‌توان گفت تقریبا برای نخستین‌بار است که جوانان فلسطینی در مناطق اشغالی ۱۹۴۸ دست به اعتراض‌های گسترده علیه رژیم صهیونیستی می‌زنند؛ جوانانی که تحت سیطره صهیونیست‌ها بزرگ شده‌اند.

حضور جوانان مناطق اشغالی ۱۹۴۸ در اعتراض‌های ضدصهیونیستی چه پیامی برای این رژیم دارد؟

تا پیش‌از این صهیونیست‌ها ادعا می‌کردند نسل جدیدی که دراین مناطق رشد کرده‌است، اعتقادی به مقاومت و آزادی قدس شریف ندارد و ترجیح می‌دهد در دولت اسرائیلی زندگی کند، اما تحولات اخیر و گسترش اعتراض‌ها به این مناطق ثابت کرد که ادعای صهیونیست‌ها نه‌تنها کذب محض است، بلکه جوانانی که تحت حاکمیت صهیونیست‌ها بزرگ شده‌اند، به‌شدت خواهان مبارزه و آزاد کردن سرزمین‌های اشغال شده فلسطین هستند. این موضوع شوک بزرگی به صهیونیست‌ها وارد کرد؛ چراکه آنها اصلا آمادگی مقابله با چنین موجی را نداشتند و دچار نوعی سردرگمی شدند. نکته جالب اینجاست که اهالی این مناطق غالبا از نظر قوانین، شهروند اسرائیل به‌حساب می‌آیند و این موضوع، مواجهه صهیونیست‌ها را با مشکلات عدیده‌ای همراه کرده است.

با توجه به شرایط موجود، می‌توان گفت انتفاضه جدیدی در سرزمین‌های اشغالی در راه است؟

برای اینکه تحولات اخیر در سرزمین‌های اشغالی را «انتفاضه جدید» نام نهاد، باید قدری تأمل کرد. بررسی رویدادهای به‌وقوع پیوسته در روزهای اخیر در این مناطق، به‌ویژه در مناطق اشغالی ۱۹۴۸ نشان می‌دهد در شرایط کنونی تحرکات، بیشتر جنبه انفرادی دارد و بسیاری از جوانان به‌صورت شخصی و با هر اسلحه‌ای که در دسترس دارند، وارد مبارزه شده‌اند و برای اینکه این تحرکات سازمان‌یافته‌تر پیگیری شود، به زمان بیشتری نیاز است. جوانانی که در روزهای اخیر در سرزمین‌های اشغالی دست به اقدامی زده‌اند، وابستگی گروهی نداشته‌اند؛ این موضوع نشان می‌دهد تحرکات فعلا در حد عملیات انفرادی است. این موضوع صهیونیست‌ها را با دردسرهای بسیاری مواجه کرده‌است؛ چراکه آنها گروه‌های مقاومت و اعضای آن را به‌شدت زیرنظر دارند، اما جوانان مبارز فلسطینی به‌صورت مستقل عملیات می‌کنند و با توجه به اینکه اکثرا هیچ نوع سابقه‌ای در دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی ندارند، دستگاه‌های امنیتی این رژیم را با سردرگمی و مشکلات قابل‌توجهی در کنترل این تحولات مواجه کرده‌است. با توجه به این موضوع معتقدم تحولات اخیر با نظر به گستردگی در سراسر سرزمین‌های اشغالی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و امنیت را از صهیونیست‌ها سلب کرده و هزینه‌های امنیتی آنان را افزایش داده‌است؛ روندی که درصورت استمرار و همه‌گیر شدن می‌تواند تبدیل به انتفاضه جدیدی شود.

گرامیداشت روز جهانی قدس چه تأثیری بر تحولات سرزمین‌های اشغالی داشته‌است؟

اگر روند تحولات را در سرزمین‌های اشغالی، از همان ابتدای اشغال، یعنی سال ۱۹۴۸ تاکنون مورد بررسی قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم با توجه به اینکه دولت‌های عربی منطقه همواره خود را در قامت متولی بحث آزادی فلسطین مطرح می‌کردند، نامگذاری روزجهانی قدس، به‌عنوان یادگار امام‌خمینی(ره)، خیانت‌های سران عربی را آشکار کرد. تحولات روی داده در این حوزه ثابت می‌کند که سران برخی کشورهای عربی جز خیانت، کاری برای فلسطینی‌ها انجام ندادند و همواره در مسیری گام برداشتند که آرمان‌های قدس‌شریف و رهایی فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها به فراموشی سپرده شود، اما نامگذاری روزجهانی قدس، اقدام ارزشمندی بود که سبب شد بحث آزادی قدس‌شریف و به‌طورکلی، آرمان آزادی فلسطین ابعاد مردمی به‌خود بگیرد و قشرهای مختلف مردم در سرزمین‌های اسلامی و حتی غیراسلامی، دلبسته این آرمان بلند و آزادی‌خواهانه شوند. علاوه‌بر این، نامگذاری این روز سبب شد بحث قدس‌شریف فراتر از دولت‌ها و در میان ملت‌ها مطرح و از طریق برگزاری تظاهرات، تجمع، مبارزه و تحرکات ضدصهیونیستی همچنان زنده نگه داشته شود؛ موضوعی که مورد دلخواه برخی سران عربی نبود.

این روند اکنون دچار چه تغییراتی شده‌است؟

در دهه‌های نخست پس از اشغال فلسطین، تلاش می‌شد آرمان‌های قدس شریف در جهان اسلام مطرح نشود و سانسور شدید خبری در این زمینه اعمال می‌شد، اما در دهه‌های اخیر، به‌ویژه با توسعه شبکه‌های اجتماعی، این ترفندها تاحدود زیادی بی‌اثر شده و تحرکات ضدصهیونیستی بیشتر، متنوع‌تر و گسترده‌تر شده‌است. اگرچه همه‌گیری ویروس کرونا در ۲سال اخیر این تحرکات را تاحدودی تحت تأثیر قرار داد، اما امسال دوباره تحرکات آغاز شده و رنگ‌وبوی جدیدی هم به‌خود گرفته‌است. دراین میان روز جهانی قدس از یک‌سو سبب شده یاد و نام فلسطین و آرمان‌های بلند آن همچنان زنده و پویا باقی بماند و ازسوی دیگر بحث آزادسازی قدس‌شریف ابعاد مردمی و جهانی به‌خود بگیرد؛ چراکه آرمان رهایی فلسطین از اشغالگری صهیونیست‌ها صرفا اسلامی نیست و علاوه‌بر مسیحی‌ها، آزادیخواهان زیادی در سراسر جهان از آن حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

> در دهه‌های نخست پس از اشغال فلسطین، تلاش می‌شد آرمان‌های قدس شریف در جهان اسلام مطرح نشود و سانسور شدید خبری در این زمینه اعمال می‌شد، اما در دهه‌های اخیر، به‌ویژه با توسعه شبکه‌های اجتماعی، این ترفندها تاحدود زیادی بی‌اثر شده و تحرکات ضدصهیونیستی بیشتر، متنوع‌تر و گسترده‌تر شده‌است

موقعیت کنونی محور مقاومت در برابر صهیونیست‌ها را چگونه تحلیل می‌کنید؟

برای پاسخ به این سؤال باید تحولات منطقه از سال ۲۰۱۱ و آغاز فرایند موسوم به بهار عربی یا انقلاب‌های عربی را مورد بررسی قرار داد. در ابتدا امید می‌رفت که کلید خوردن فرایند بهار عربی، زمینه‌ساز روی کارآمدن دولت‌های مردمی در منطقه شود که با به‌کارگیری یک سیاست‌خارجی متعهدانه، شرایط مناسبی را برای دفع اشغالگری صهیونیست‌ها فراهم کنند. در این میان اما با تحرکات عربستان‌سعودی و امارات و همچنین آزاد کردن زندانی‌های تکفیری و فرستادن آنها به برخی کشورهای عربی، زمینه برای موج‌سواری این دولت‌ها آماده شد و مسیر انقلاب‌های عربی را منحرف کردند. برهمین اساس هم بود که در سال‌های نخست پس از ۲۰۱۱ آرمان فلسطین به حاشیه رفت و کشورهایی مانند سوریه، عراق، لیبی، یمن و حتی مصر درگیر بی‌ثباتی شدند. این موضوع طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ تأثیر منفی بر گرامیداشت آرمان‌های فلسطین داشت، اما در یکی،دو سال اخیر و با شکست خوردن تکفیری‌ها در منطقه که شهید بزرگوار، سپهبد حاج قاسم سلیمانی، نقش بی‌بدیلی دراین عرصه داشت، آرمان قدس دوباره به‌صورت پررنگ‌تری مطرح شده و می‌بینیم که جایگاه ویژه‌ای نیز پیدا کرده‌است. حرکت سال گذشته برخی کشورهای عربی در عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی و انعقاد پیمان آبراهام که با تبلیغات بسیاری نیز همراه شد، اقدامی بود که هدف قبح‌شکنی از ایجاد رابطه کشورهای اسلامی با صهیونیست‌ها را پیگیری می‌کرد و القای این موضوع که کشورهای عربی به‌دنبال ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی هستند، اما اکنون این روند به سد محکمی برخورد کرده و این پروژه شکست خورده‌است. در شرایط کنونی و با توجه به تحولات سرزمین‌های اشغالی اکنون دولت‌هایی که رابطه خود را با صهیونیست‌ها عادی کرده‌اند، تحت‌فشار افکارعمومی جهان اسلامی قرار گرفته و حتی مجبور شده‌اند به‌صورت ظاهری هم که شده، بیانیه‌های شدیدالحنی علیه رژیم صهیونیستی صادر کنند؛ موضوعی که نشان می‌دهد درحال‌حاضر محور مقاومت از جایگاه ویژه‌ای در تحولات فلسطین برخوردار است و موفقیت‌های منطقه‌ای به‌دست آمده نیز این جایگاه را تحکیم کرده‌است.

صهیونیست‌ها تا چه اندازه در شکل دادن به محور عبری-عربی موفق بوده‌اند؟

تحولات ماه‌های اخیر نشان می‌دهد این پروژه با شکست سنگین، به‌ویژه برای کشورهای عربی همراه بوده‌است. این کشورها از یک‌سو فکر می‌کردند با هم‌پیمانی با رژیم صهیونیستی می‌توانند خود را حفظ کنند، اما ناتوانی صهیونیست‌ها در دفاع از خود در برابر موشک‌های شلیک شده از غزه نشان داد رژیمی که نمی‌تواند از خود دفاع کند، از توانایی کافی برای حمایت و دفاع از این کشورهای عربی نیز برخوردار نیست. ازسوی دیگر دولت‌های عربی حاضر در پیمان آبراهام گمان داشتند که با جلب پشتیبانی لابی‌های اسرائیلی، می‌توانند حمایت همه‌جانبه دولت بایدن را نیز به‌دست آورند، اما حملاتی که در ۲سال اخیر به زیرساخت‌ها و منافع آنها صورت گرفت با بی‌توجهی واشنگتن و تل‌آویو مواجه شد و نشان داد «آبراهام» یک پیمان یک‌طرفه است. این دولت‌های عربی به‌تدریج متوجه شدند که صهیونیست‌ها اجازه نمی‌دهند سرباز اسرائیلی برای غیریهودی کشته شود.

بنابراین می‌توان گفت رؤیای تشکیل ناتوی عبری- عربی با مشارکت ارتش‌های عربی نیز نقش بر آب شده‌است؟

اصولا معتقدم اینها صرفا نام‌های توخالی است که چنین چیزی وجود خارجی ندارد. تحولات یمن و شکست مفتضحانه سعودی‌ها از نیروهای فقیرترین کشور عربی ثابت کرد که آنها ارتش بزم دارند، نه رزم.

عکس: Getty

در برابر شیطان

دشمنان رژیم صهیونیستی؛ از یهودیان ضدصهیونیست تا مقاومت اسلامی

گزارش

شناخت دشمنان رژیم صهیونیستی را باید یکی از مؤثرترین راه‌های شناخت ماهیت این رژیم نامشروع دانست؛ چراکه طبق قاعده‌ای منطقی، پدیده‌های مختلف از راه نقطه مخالف و نقطه مقابل‌شان شناخته می‌شوند. در برشماری دشمنان رژیم صهیونیستی، طبیعتا باید ابتدا به آحاد امت اسلامی اشاره کرد. اسلام علاوه بر آنکه در کتاب آسمانی خود، یهودیان لجوج و مشرکین را دشمن‌ترین دشمنان پیامبر خاتم(ص) معرفی می‌کند، بر مبنای قواعد انسانی، فقهی و حقوقی متعدد ازجمله قاعده «لاضرر و لاضرار»، قاعده «نفی سبیل» و... هرگز اجازه تسلط غیرمسلمانان بر سرزمین‌های اسلامی را نمی‌دهد. به این سبب است که با وجود خیانت‌های مکرر و مداوم برخی حکام وابسته و مستبد کشورهای اسلامی از ۱۹۴۸میلادی تاکنون، امت اسلامی هرگز به آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف پشت نکرده است. بر همین اساس، دامن زدن به اختلاف‌های داخلی در بین امت اسلامی همواره راهبرد اصلی رژیم صهیونیستی در مواجهه با دنیای اسلام بوده است. با این حال، در این مطلب مروری داریم بر بخشی از مهم‌ترین دشمنان این رژیم مجعول؛ امید است که روزی نابودی‌اش را جشن بگیرند.

خباثت انگلیسی

شاید زمانی که آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه انگلستان در سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ش) بیانیه بالفور را خطاب به والتر روچیلد منتشر می‌کرد، کمتر مسلمانی در دنیا قادر به فهم معنا و پیامدهای عمیق آن نامه تاریخی بود. ۳۱سال پس از بیانیه بالفور اما سرانجام رؤیای صهیونیست‌ها در میان حیرت مسلمانان مناطق مختلف جهان تعبیر شد و اشغال سرزمین‌های فلسطینی صورتی رسمی به‌خود گرفت. دولت انگلیس برخلاف ضوابط بین‌الملل، اقدام به واگذاری بخشی از خاک کشور فلسطین به اقلیتی یهودی کرده بود. بااین‌حال، سعی در موجه نشان دادن این اشغال سرزمینی از سوی انگلیس و همپالگی‌هایش از همان روز تا هم‌اکنون ادامه یافته است.

سلاطین مظلوم‌نمایی

سرآغاز این مظلوم‌نمایی و قلب واقعیت را باید در همان متن بیانیه بالفور جست‌وجو کرد. آنجا که وزیر خارجه وقت انگلیس، خطاب به لرد روچیلد، اینگونه از صدور مجوز اشغال یک کشور مستقل و کهن توسط دولت انگلیس خبر می‌دهد: «لرد روچیلد عزیزم، بسیار خوشوقتم که از جانب دولت اعلیحضرت همدردی و همدلی خود را با خواسته‌ها و آرزوهای یهودیان صهیونیست که به هیأت وزیران تقدیم و با آن موافقت شده ابلاغ نمایم. دولت اعلیحضرت تأسیس وطن ملی برای ملت یهود در فلسطین را با علاقه دنبال می‌کند و برای فراهم کردن امکان برپایی آن تمام تلاش خود را خواهد کرد!» صهیونیست‌ها پس از تأسیس موجودیت نامشروع رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ش) نیز همواره راهبرد مظلوم‌نمایی را مؤثرترین توجیه برای تداوم جنایات خود دانسته‌اند. بر این اساس، رسانه‌های غربی همگام با صهیونیست‌ها، همواره سعی کرده‌اند واقعیت تروریستی رژیم صهیونیستی را در هاله‌ای از ابهام قرار دهند.

مخالفان غیرمسلمان

دسته‌ای از مخالفان رژیم صهیونیستی را باید در متن جامعه یهودی غیرصهیونیست جست‌وجو کرد؛ یهودیانی که با مشاهده جنایات مکرر صهیونیست‌ها در حق مردم فلسطین، لازم دیده‌اند برائت خود از این جنایات و بی‌ارتباط بودن آن با آموزه‌های دین یهود را جار بزنند. مسیحیان پروتستان نیز بر مبنای آموزه‌های دینی خود، در زمره مخالفان ایدئولوژیک رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند. آنها نه‌تنها به مسیحیت صهیونیستی انتقاد جدی دارند که اساس مشروعیت رژیم صهیونیستی را نیز زیر سؤال برده و معتقدند به دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین هستند؛ هرچند این مخالفت‌ها به دلایل سیاسی متعدد، هیچ‌گاه نتوانسته متمرکز باشد.

مردی که خواب را از صهیونیست‌ها گرفت

در میان مخالفان رژیم صهیونیستی اما طبیعتا باید ابتدا و پیش از هرکسی به بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی اشاره کرد. امام(ره) از همان ابتدا در واکنش به تشکیل کشور جعلی رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «من طرفداری از طرح استقلال رژیم صهیونیستی و شناسایی او را، برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انفجار می‌دانم.» بنیانگذار کبیر انقلاب بعدها در تمام طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب نیز، مبارزه با رژیم صهیونیستی را در زمره یکی از مهم‌ترین راهبردهای نهضت خود قرار داد و همواره تأکید می‌کرد: «لازم است بر دول اسلامی به‌خصوص بر سایر مسلمین عموما، که دفع اینگونه فساد را به هر نحو که امکان دارد، بنمایند.» امام(ره) نهایتا با تعیین روز جمعه آخر ماه رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس، مقدمات طرح همیشگی مسئله فلسطین و زنده نگه داشتن ابدی آن در ذهن مسلمین را فراهم کرد تا از این طریق، پادزهر خیانت‌های مکرر حکام عرب به آرمان مردم مظلوم فلسطین را تدارک دیده باشد. امام(ره) درواقع گشاینده راهی بود که پس از آن تاکنون توسط رهبر معظم انقلاب و ملت ایران پیموده شده است.

بدرود فرمانده عجیب

حالا اما برای پیدا کردن دشمنان اصلی رژیم صهیونیستی باید به فهرست ترورهای این دولت تروریستی رجوع کرد. شهیدان عماد مغنیه، جهاد مغنیه، سمیر قنطار، حسن اللقیس و مصطفی بدرالدین و... پیش‌ازاین در فهرست ترور رژیم صهیونیستی قرار داشته‌اند و همگی به فیض شهادت نایل شده‌اند. شهید عماد مغنیه، فرمانده عملیات ویژه حزب‌الله لبنان و معاون نظامی سیدحسن نصرالله بود که در تاریخ ۲۳بهمن ۱۳۸۶ طی عملیاتی تروریستی در دمشق به شهادت رسید. قاتل چندان ناشناخته نبود. بااین‌حال، گمانه‌زنی‌ها درباره عوامل شهادت مغنیه ادامه داشت، تا اینکه روزنامه واشنگتن‌پست در مقاله‌ای تفصیلی به تاریخ ۳۰ژانویه ۲۰۱۵ نوشت که این عملیات را سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و سازمان اطلاعاتی خارجی رژیم صهیونیستی (موساد) برنامه‌ریزی کرده بودند. براساس گزارش این روزنامه آمریکایی، بمبی که باعث کشته شدن فرمانده پرسابقه حزب‌الله شده بود، مدت‌ها پیش در میدان مشق سیا در کارولینای شمالی آزمایش شده بود. این روزنامه می‌نویسد که دستور کتبی این عملیات را جورج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا صادر کرد و دادستان کل، مدیر اطلاعات ملی و مشاور امنیت ملی آمریکا آن را تأیید کردند.

این مبارزان خاص

شهید عماد مغنیه، خود را شاگرد شهید مصطفی چمران می‌دانست و مبارزه بی‌امان با غده سرطانی رژیم صهیونیستی را از این نخبه شهید ایرانی آموخته بود. شهید جهاد مغنیه، فرزند شهید عماد نیز در تاریخ ۲۸دی‌ماه ۱۳۹۳ در خاک سوریه هدف حمله موشکی بالگردهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت و به شهادت رسید. سمیر قنطار اما در میان دشمنان مهم رژیم صهیونیستی از جایگاه خاصی برخوردار است. قدیمی‌ترین اسیر لبنانی دربند رژیم صهیونیستی، پس از تحمل ۳۰سال اسارت در زندان‌های رژیم صهیونیستی، در جریان مبارزه با گروه‌های تکفیری حامی رژیم صهیونیستی در سوریه، به تاریخ ۲۹آذر ۹۴ هدف حمله موشکی صهیونیست‌ها قرار گرفت و به شهادت رسید. شهید مصطفی صدرالدین نیز سرنوشت تقریبا مشابهی داشت و در سوریه به خیل شهدای مقاومت پیوست. شهید حسن اللقیس، دیگر فرمانده بلندپایه حزب‌الله لبنان بود که چندبار از دام ترورهای رژیم صهیونیستی جان سالم به‌در برد، اما سرانجام آذرماه ۹۲ پس از ۳۰ سال مجاهدت، در پارکینگ منزل شخصی‌اش مورد هدف تیم ترور موساد قرار گرفت و به شهادت رسید. البته این لیست را همینطور می‌شود ادامه داد و به اسم‌های دیگری هم رسید.

رؤیای من؛ نابودی رژیم اشغالگر

سردار شهیدحسن طهرانی‌مقدم، ملقب به پدر صنعت موشکی ایران، دیگر دشمن شناخته شده رژیم صهیونیستی است. شهید طهرانی‌مقدم وصیت کرده بود تا روی قبرش بنویسند: «اینجا مدفن کسی است که می‌خواست رژیم صهیونیستی را نابود کند!» دوست و همراه قدیمی او سردار قاسم سلیمانی را اما باید در کنار سیدحسن نصرالله، در زمره مهم‌ترین دشمنان رژیم صهیونیستی جای داد. سردار سلیمانی و سیدحسن نصرالله را می‌توان فرماندهانی لقب داد که تاکنون شکست را تجربه نکرده‌اند. مقامات رسمی رژیم صهیونیستی پیش‌ازاین بارها سردار قاسم سلیمانی را به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید علیه رژیم صهیونیستی معرفی کرده‌اند؛ سرداری که حضور ایران در مرزهای صهیونیست‌ها، به مدد همراهی او صورت گرفت.

آنها که شکست نمی‌پذیرند

محمد ضیف، فرمانده اسرارآمیز شاخه نظامی جنبش مقاومت فلسطین (حماس) را نیز باید در زمره دیگر دشمنان مهم رژیم صهیونیستی جای داد. او نیز در ویژگی شکست‌ناپذیری‌اش با سیدحسن نصرالله و سردار قاسم سلیمانی مشترک است. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت طی گزارشی در سال ۱۳۹۳، از محمد ضیف، فرمانده القسام، شاخه نظامی حماس، به‌عنوان نفر بعدی فهرست ترور رژیم صهیونیستی نام برده بود؛ مردی که بارها از ترور جان سالم به در برده؛ بنابراین گزارش، محمد ضیف تاکنون ۵بار بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ هدف ترور قرار گرفته، اما جان سالم به در برده و آخرین ترورهای او نیز مربوط به سال گذشته بوده است. این روزنامه صهیونیستی در ادامه با وقاحت تأکید می‌کند: با وجود اینکه همسر و دختر فرمانده قسام کشته شده‌اند، اما او جان سالم به در برده است. این روزنامه محمد ضیف را اینگونه توصیف می‌کند: «مردی که نمی‌میرد!»

کابوس‌های جدید

البته لیست دشمنان اسرائیل به این مواردی که گفتیم ختم نمی‌شود. امروزه نگرانی اصلی اسرائیل از پهپادها و حتی موشک‌های انصارالله است که به‌زودی به این کشور خواهد رسید. انصارالله یمن با صهیونیست‌ها تضاد ماهوی دارند و به همین دلیل، یکی از تهدیدات آتی این کشور دانسته می‌شوند؛ ضمن اینکه حضور اسد در سوریه نیز، بر نگرانی‌های این رژیم افزوده است. اسد که با حمایت کشورهای منطقه و اسرائیل و آمریکا قرار بود سرنگون شود، هنوز رهبر سیاسی سوریه محسوب می‌شود و این امر، ایران را در مرزهای صهیونیست‌ها نگه داشته است؛ اتفاقی که همانطور که ذکر شد، به همت بلند شهیدقاسم سلیمانی بود. به واقع امروزه، باید دشمنان درجه یک اسرائیل را، سربازان مکتب سلیمانی دانست؛ بذرهایی که در ۲دهه گذشته در نقاط مختلف منطقه کاشته شده و امروزه در حال ثمردهی هستند.

شمارش معکوس، به وقت تل‌آویو

گفت‌وگو با حسن هانی‌زاده، درباره معضلات و چالش‌های پیش روی رژیم صهیونیستی

گفت‌وگو
میثم آخوندی
روزنامه‌نگار

تقابل رژیم صهیونیستی با معضلات ریز و درشت و قرار داشتن در مرز فروپاشی؛ این نه شعار است و نه به‌دلیل دشمنی اعتقادی ما با این رژیم با چاشنی مبالغه روبه‌روست. براساس مستندات سازمان‌های معتبر بین‌المللی و بر مبنای مشاهدات و رصد آنچه در این رژیم در حال گذران است و براساس استناد به ناتوانی این رژیم در مقابله با مقاومت فلسطین، می‌توان به این حقیقت آشکار پی برد. نارضایتی‌های اجتماعی ریشه گرفته از تبعیض نژادی در این رژیم، تشدید مهاجرت معکوس، عدم‌اقتصاد پایدار و... تنها بخشی از دلایل این مدعاست. در گفت‌وگو با حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل منطقه به ارزیابی معضلات و چالش‌های رژیم صهیونیستی پرداختیم.

رژیم صهیونیستی با چالش‌های بیرونی و درونی متعددی مواجه است که عملا موجودیتش را به خطر انداخته است، هرچند این رژیم قصد دارد بر این عوامل سرپوش بگذارد و بعضا البته فرافکنی‌هایی هم توسط رسانه‌های وابسته‌اش صورت می‌دهد. به‌نظر شما مهم‌ترین معضلاتی که این رژیم هم‌اکنون با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، چیست؟

رژیم صهیونیستی یک رژیم ساختگی است که در سال ۱۹۴۸ با توصیه آمریکا، انگلیس و فرانسه و به‌دلیل غفلت اعراب شکل گرفت و چون این رژیم هیچ‌گونه زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی در منطقه ندارد، لذا همواره با چالش‌های جدی مواجه بوده‌است. از سوی دیگر، این رژیم با استفاده از نیروی نظامی و سخت‌افزار توانسته به‌مدت هفتاد و اندی سال همچنان در منطقه باقی بماند، اما همانطور که به‌درستی فرمودید چالش‌های زیادی فرا روی رژیم صهیونیستی است. یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها، چالش امنیتی است که برگرفته از وجود مقاومت اسلامی در منطقه است که نشانه‌هایش را در بهار سال گذشته هم دیدیم. بدین معنا که یک بازوی مقاومت درون فلسطین اشغالی ظهور و بروز دارد که در آن ۱۰ گروه فلسطینی که مهم‌ترین آنها حماس و جهاد اسلامی است، تشکیل‌دهنده تار و پود این بازوی مقاومت است. این بازو به‌عنوان یک چالش جدی برای امنیت رژیم صهیونیستی در داخل تلقی می‌شود.

درگیری‌های داخلی بین اشکنازی‌ها و سفاردی‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در داخل هم دوگانگی در جامعه یهودی بین اشکنازی‌ها و سفاردی‌ها وجود دارد. بین سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها دشمنی دیرینه‌ای وجود دارد؛ هم‌اکنون سفاردی‌ها تبدیل به اقلیت شده‌اند و اشکنازی‌ها در تمدن غربی و همچنین دولت رژیم صهیونیستی موقعیت برجسته‌ای یافته‌اند. سفاردی‌ها به‌عنوان طبقه محروم و طبقه غیرکلیدی در فلسطین اشغالی تلقی می‌شوند. آلمان به زبان عبری به‌معنای اشکناز است و نگاه طبقه اشکنازی که از اروپا و آمریکا به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده‌اند، نسبت به طبقه سفاردی‌ها که از شرق و کشورهای شرقی به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده‌اند یک نگاه تحقیرآمیز است و به همین دلیل امروزه روز حاکمیت عموما در دست اشکنازی‌هاست. اینها نخبگان سیاسی جامعه اسرائیل را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل این دوگانگی همواره موجب شده که در داخل رژیم صهیونیستی در تقابل با یکدیگر باشند و یک نگاه کاملا پرخاشگرایانه نسبت به این دو بازو یا جریان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یهودی وجود دارد. و ازآنجایی که سفاردی‌ها احساس می‌کنند شهروند درجه ۲ هستند، هیچ‌گاه حاضر نیستند با اشکنازی‌ها همکاری تنگاتنگ و قابل‌قبولی داشته باشند و این چالش جدی است.

این دوگانگی در جامعه رژیم صهیونیستی تا چه اندازه جدی است؟

این دوگانگی در جامعه رژیم صهیونیستی تا حدی جدی است که هرلحظه ممکن است به درگیری فیزیکی میان این دوطبقه منجر و عملا به شورش‌های اجتماعی بدل شود. این اختلافات اکنون به‌مثابه آتش زیر خاکستر است. موضوع دومی که باید در جهت ناملایمت‌های داخلی رژیم صهیونیستی به آن توجه شود، موضوع منطقه‌ای، مقاومت اسلامی و مخصوصا حزب‌الله است که همچون کاتالیزور بر معضلات داخلی این رژیم دامن می‌زند. حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳روزه و در سال ۲۰۰۶ توانست با یک ابتکار عمل میدانی، ارتش رژیم صهیونیستی را برای نخستین بار در طول ۷دهه گذشته شکست بدهد و این شکست اسرائیل به معنی تزلزل پایه‌های این رژیم است، حزب‌الله توانست با این رفتار ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر امنیت داخل رژیم صهیونیستی وارد کند و آن را متزلزل سازد. در طول جنگ ۳۳روزه حزب‌الله با رژیم صهیونیستی، تقریبا زندگی و حرکت اجتماعی در فلسطین اشغالی متوقف و این رژیم متحمل خسارت‌های سنگینی شد. به همین دلیل جنگی که در سوریه درگرفت را می‌توان طرحی توسط آمریکا، عربستان، قطر، ترکیه و اسرائیل دانست که سازماندهی شد تا در حقیقت بتوانند محور مقاومت را از منطقه حذف کنند تا بلکه بتواند از این طریق افکار عمومی داخل را نسبت به ثبات امنیت قانع سازند تا با مهاجرت معکوس فزاینده روبه‌رو نشود. لذا رژیم صهیونیستی یکی از مشکلاتش امنیت پایدار است که‌الان دستخوش تزلزل شده است. البته شاهدیم که در سوریه به موفقیت نرسیدند و اسد در جبهه مقاومت باقی ماند و بازوهای جبهه مقاومت درون فلسطین اشغالی را هم دیدیم که چه شگفتی‌هایی علیه اسرائیلی‌ها خلق کردند.

> یک دوگانگی در جامعه یهودی بین اشکنازی‌ها و سفاردی‌ها وجود دارد؛ این دوگانگی در جامعه رژیم صهیونیستی تا حدی جدی است که هرلحظه ممکن است به درگیری فیزیکی میان این دوطبقه منجر و عملا به شورش‌های اجتماعی بدل شود. این اختلافات اکنون به‌مثابه آتش زیر خاکستر است

یکی از فاکتورهایی که همچون کابوسی نافرجام سران رژیم صهیونیستی را با نگرانی همیشگی روبه‌رو کرده است؛ مهاجرت معکوس در این رژیم چه شرایطی را تجربه می‌کند؟

سال‌ها پیش اعلام شد که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ یعنی در ۱۱سال، بیش از ۲۷۰هزار یهودی از اراضی اشغالی مهاجرت معکوس داشته‌اند. ریشه آن نیز ترس از احتمال حملات مجدد حزب‌الله لبنان و محور مقاومت بوده است. این یک ضربه مهلک بر رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود، زیرا این رژیم برای اسکان هر خانواده سه نفره که مهاجرت می‌کنند ۱۵۰هزار دلار و حتی بیشتر هزینه می‌کند و به همین دلیل مهاجرت معکوس یکی از مشکلات و نگرانی‌های نخبگان و حاکمان رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود.

یکی دیگر از مسائلی که بسیار مهم است و درواقع از دید ناظران شاید مخفی مانده و رسانه‌ها هم آن را مورد توجه قرار نداده‌اند، مسئله وجود نیروگاه اتمی دیموناست. این نیروگاه که در سال ۱۹۵۸ توسط فرانسوی‌ها در فلسطین اشغالی احداث شد و به‌عنوان نماد قدرت نظامی در فلسطین اشغالی تلقی می‌شود، امروز به پاشنه آشیل بزرگ اسرائیل تبدیل شده است. الان اگر موشک دوربردی به این نیروگاه اصابت کند یک فاجعه بزرگ برای منطقه به‌وجود خواهد آمد، بنابراین حیات و ممات رژیم صهیونیستی به نیروگاه دیمونا بستگی دارد. با توجه به اینکه این نیروگاه قدمتی تقریبا ۶۰ساله دارد و دیواره‌های آن نیز بنا به‌نظر کارشناسان ترک‌های زیادی خورده، لذا تشعشع اورانیوم از این نیروگاه می‌تواند به عمر رژیم صهیونیستی پایان دهد و اگر جنگی رخ دهد قطعا این نیروگاه آسیب می‌بیند و عمر این رژیم پایان می‌یابد.

با مجموعه این عوامل، پس چرا شهرک‌سازی‌ها ادامه دارد. فلسفه آن چیست؟

شهرک‌سازی براساس شاکله اجتماعی یهودیان شکل گرفته است. ازآنجایی که یهودیان از چند کشور مختلف به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده‌اند، لذا نمی‌توانند با همدیگر ارتباط برقرار کنند. ۵۲درصد از ساکنان یهودی فلسطین اشغالی، زبان عبری نمی‌دانند. زبان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی است که در فلسطین اشغالی محلی از اعراب ندارد. به همین دلیل شهرک‌سازی شکل گرفته تا هر مجموعه‌ای که از یک کشوری مهاجرت کرده، براساس الگوهای رفتاری و زبان مشترکشان در آن شهرک‌ها اسکان داده شوند. هر شهرکی با شهرک دیگر نمی‌تواند رابطه برقرار کند و این یکی از گسست‌های مهم جامعه یهودی است، لذا این عوامل موجب می‌شود که رژیم صهیونیستی با یک حرکت نظامی و امنیتی دچار فروپاشی شود.

از نظر اقتصادی بحث ناپایداری این رژیم چطور قابل ارزیابی است؟

نکته حائز اهمیت اینکه رژیم صهیونیستی فاقد اقتصاد پایدار است. اقتصاد صهیونیستی به کمک‌های مالی یهودیان بستگی دارد. الان عرفی که وجود دارد این است که هر یهودی وابسته به جریان صهیونیسم سالانه درصدی از درآمدهای خودش را به صندوق آژانس یهودیان واریز می‌کند که این مبالغ به‌عنوان کمک مالی به رژیم صهیونیستی ارسال می‌شود و اگر این کمک‌ها نبود قطعا رژیم صهیونیستی سقوط می‌کرد، زیرا این رژیم نمی‌تواند نه در منطقه و نه در سطح جهان آزادانه با کشورها تعامل داشته باشد. رژیم صهیونیستی فاقد زیرساختارهای اقتصادی قوی است و به همین دلیل وابسته به کمک آمریکا و صندوق آژانس یهود است. فراموش نکنید که مهاجران یهودی برای یک زندگی همراه با امنیت و رفاه راهی این منطقه شده‌اند. این روزها هم شاهدیم که عملیات‌های استشهادی هم این رژیم را حسابی دچار شوک کرده است. چنین مواردی در کنار باقی نکته‌هایی که اشاره کردم، منجر به این می‌شود که شهرک‌نشین‌ها و دیگر ساکنان اسرائیل احساس ناامنی و عدم‌اعتماد به مسئولان‌شان را داشته باشند.

نگاه شما به عملیات‌های استشهادی اخیر چیست؟

قبلا هم گفته‌ام که این عملیات‌ها ۲هدف دارد. اول پاسخی است در خور به رفتار وحشیانه اسرائیلی‌ها علیه فلسطینی‌ها. موضوع بعدی هم که همه ما می‌دانیم بحث نشست اخیر وزرای خارجه کشورهای سازشکار عربی مثل مصر، مغرب، بحرین، امارات و... با وزیران خارجه اسرائیل و آمریکا بوده. صهیونیست‌ها می‌خواستند با چنین نشستی، پیامی را منتقل کنند؛ اینکه ما در حال نفوذ در منطقه هستیم. همزمان با چنین نشستی بود که شاهد عملیات شهادت‌طلبانه حیفا و جنوب تل‌آویو و دیگر عملیات‌ها بودیم. ملت فلسطین نزدیک به ۸ دهه است که درگیر اشغال شده و جامعه جهانی هم عملا سکوت کرده است. کار به جایی رسیده که حتی مقام معظم رهبری اخیرا گفته‌اند «البته متأسفانه دولت‌های اسلامی در این زمینه خیلی کم می‌گذارند، خیلی بد عمل می‌کنند؛ خیلی بیشتر از این باید برای فلسطین تلاش کرد و کار کرد و حرف زد. حالا خیلی از اینها عمل که نمی‌کنند، حتی بعضی‌هایشان حاضر نیستند درست هم حرف بزنند؛ حرف درست و حسابی به نفع مردم فلسطین. اینکه ما خیال کنیم راه کمک به فلسطینی‌ها ارتباط گرفتن و ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی است، جزو آن اشتباهات بسیار بزرگ است. ۴۰سال قبل از این، مصری‌ها این خطا را کردند؛ مصر و اردن با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار کردند؛ آیا جنایات رژیم صهیونیستی در این ۴۰ سال کم شد؟ نه، ۱۰ برابر شد. این کارهایی که امروز شهرک‌نشین‌ها دارند می‌کنند، این حملاتی که امروز به مسجدالاقصی انجام می‌گیرد، آن روزها نبود؛ امروز بیشتر دارند ظلم می‌کنند. حالا یک عده‌ای می‌خواهند تجربه مصر انورساداتِ ۴۰ سال قبل را امروز تکرار کنند! نه برایِ خودشان مفید است، نه برای فلسطینی‌ها مفید است...»

متأسفانه اوضاع چنین است. اما امروزه خود فلسطینی‌ها متوجه شده‌اند که باید برای آزادی قدس کاری کنند و به همین دلیل شاهد به‌هم‌پیوستگی بیشتری بین محور مقاومت و ملت فلسطین هستیم. ناامن شدن اراضی اشغالی باعث مهاجرت و ترک این مناطق توسط صهیونیست‌ها خواهد شد؛ چنانکه شاهد بودیم در جنگ ۳۳روزه لبنان و از ترس موشک‌های حزب‌الله، ده‌ها هزار صهیونیست مهاجرت کردند. مقاومت فلسطین نیز با ادامه چنین رویه‌ای می‌تواند این ترس و ناامنی برای صهیونیست‌ها و اسرائیلی‌ها را افزایش دهد.

دریچه
مجید حسین‌خانی؛ روزنامه‌نگار

اقتصاد؛ پاشنه آشیل صهیونیست‌ها

چطور چیزی که اشغالگران به آن می‌بالند، روزی آنها را به نابودی خواهد کشاند؟

تاریخ شکل‌گیری رژیم جعلی صهیونیستی همواره با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده، اما آنچه از روابط این رژیم با کشورهای جهان برمی‌آید، این است که رژیم صهیونیستی در تمام ابعاد به اقتصاد وابسته است. در سال‌های اخیر رژیم صهیونیستی نتوانسته آن‌چنان که باید امنیت شهروندان یهودی خود را حفظ کند. اقتصاد اما زمینه‌ای است که رژیم صهیونیستی توانسته همواره خود را در آن موفق نشان دهد و نمودارهای کلی عملکرد این رژیم مطلوب بوده است.

جذب سرمایه‌گذاری فراوان

رژیم صهیونیستی دارای اقتصاد سرمایه‌داری مدرن با فناوری بالا و پررونق است که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجه عمل کرده است. این رژیم، دارای یک اقتصاد باز و مبتنی بر بازار و براساس مشارکت بخش دولتی است که توانسته بخش خصوصی را نیز فعال کند. ویژگی مهم اقتصاد رژیم صهیونیستی این است که توانسته در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری جهانی زیادی را جذب کند و ۲زمینه فناوری اطلاعات و تسلیحات نظامی مهم‌ترین نقاط قوت رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌آید. با توجه به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و استفاده از فضای مناسب برای آشتی دوباره با کشورهای مختلف مانند روسیه، ترکیه، جمهوری آذربایجان و قزاقستان و این اواخر کشورهای عربی و همچنین ریاست‌جمهوری ترامپ در سال‌های گذشته و همراهی‌اش با این رژیم، باعث شد تا شاهد روند روبه‌رشد اقتصادی اسرائیل باشیم و طبق ادعای این رژیم به این رشدش نیز ادامه خواهد داد.

رشد اقتصادی

باید توجه داشت که رژیم صهیونیستی رتبه خوبی را از لحاظ اقتصادی در منطقه دارد و توانسته در زمینه‌های مختلف اقتصادی پیشرفت‌هایی را داشته باشد. برای نمونه این رژیم توانست خود را در زمینه نوسازی تجهیزات نظامی ازکارافتاده در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک برند نشان دهد و با حدود ۵۰کشور جهان قراردادهایی را در این زمینه منعقد کرده است؛ که هیچ کشور دیگری توانایی چنین کاری را ندارد. بخش تحقیقات بانک مرکزی رژیم صهیونیستی نشان داده که اقتصاد این رژیم در سال ۲۰۱۶، ۳,۵درصد رشد داشته است. این رشد اقتصادی مدیون راهبرد تازه‌ای است که رژیم صهیونیستی برای رسیدن به آن تمام توان خود را به‌کار گرفته و آن تبدیل شدن به قطب فناوری اطلاعات جهان است.

روی دیگر اقتصاد اشغالگران

نقاط قوت یادشده اما باعث نمی‌شود تا ضعف‌های جدی اقتصاد رژیم صهیونیستی نادیده گرفته شود. اقتصاد رژیم صهیونیستی همانگونه که گفته شد پیوند عمیقی با مقوله امنیت دارد و رابطه خطی این دو فاکتور باعث شده تا رژیم صهیونیستی همواره آسیب‌پذیری بالایی را در نظام خود احساس کند. از آن جمله می‌توان به جنگ‌های یکی، ۲دهه اخیر اشاره کرد که هرچند مدت این جنگ‌ها بسیار کوتاه بوده، اما ضربه‌های جدی به اقتصاد این رژیم وارد کرده است؛ به‌صورتی که رژیم صهیونیستی حتی توان جنگ‌های طولانی‌تر از یک ماه را نیز نداشته است. نسبت رشد اقتصاد رژیم صهیونیستی در ۳سال گذشته منتهی به ۲۰۱۶، ۲,۵درصد بوده که با درنظر گرفتن رشد سالانه جمعیت به‌معنای رشد اقتصادی صفر است. دیوید برودت، رئیس بانک لئومی هشدار داده که تمرکز تل‌آویو بر مشکل مسکن سبب شده چالش‌های بزرگی را که اقتصاد رژیم صهیونیستی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، نادیده گرفته شود. پروفسور لیاو لایدرمن، از اقتصاددانان بانک هپوعالیم، هم زمانی گفته بود روند رشد پایین اقتصاد ادامه خواهد داشت و اگر تغییرهایی در آینده رخ ندهد رشد اقتصاد منفی خواهد شد.

معضل نارضایتی‌های اجتماعی

از آنجایی که رشد جمعیت با رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی تقریبا برابری می‌کند، در آینده نزدیک مردم رژیم صهیونیستی با یک بازار بدون رشد و دستمزد ثابت روبه‌رو خواهند بود که اعتراضات داخلی را افزایش می‌دهد. بیش از ۳۰درصد از خانه‌های ساخته شده برای مهاجران با بدهی به کابینه رژیم صهیونیستی مواجه هستند. ناامنی‌های مقطعی شکل گرفته از جنگ‌ها نیز بر شدت نارضایتی‌ها افزوده است؛ به علاوه که شهروندان این رژیم در روزهای عادی نیز عمیقا احساس امنیت ندارند. در طول جنگ ۸روزه(۲۰۱۲)، نظرسنجی صورت گرفته توسط روزنامه «معاریو» از نارضایتی ۷۲درصدی صهیونیست‌ها از امنیت موجود در سرزمین‌های اشغالی خبر می‌داد.

چه خواهد شد؟

با همه توصیفات و نقاط ضعف موجود نباید فراموش کرد که نظام رژیم صهیونیستی، ازجمله دولت‌های مدرن به‌شمار می‌آید که با کمک متحدانی مانند آمریکا و اتحادیه اروپا توانسته در بسیاری از زمینه‌ها به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابد. در تمام شاخص‌های توسعه‌یافتگی، رژیم صهیونیستی توانسته رتبه‌هایی مشابه کشورهای اروپایی کسب کند.

با وجود این، برای هر اقتصادی هر چقدر هم که قدرتمند و بزرگ باشد، راهکارهایی جهت مقابله با آن وجود دارد. به عنوان مثال اقتصاد کشوری مانند آمریکا نیز چندبار دچار رکود شده و تا مرز فروپاشی رفته است و در آخرین مورد آن بحران مسکن و بدهی خریداران خانه موجب بروز بحران اقتصادی در این کشور شد. این اصل در مورد اقتصاد رژیم صهیونیستی نیز صدق می‌کند که هر چند وجود هم‌پیمانان قدرتمندی چون آمریکا و اروپا اقتصاد این رژیم را تا حدودی بیمه کرده، اما ضعف‌های بنیادی ناشی از مسائل ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل همواره راه شکست این اقتصاد را باز گذاشته است.